

تلویزیونی بازی کردم و احتمالاً دیده نشدم باید معترض باشم اما چون خودم داوری کردم و به شرایط آگاه هستم، تنها به آنها دستم زیاد و خسته نباشید می گویم.

صحبت پایانی:

من در تمام مصاحبه‌هایی که اخیراً داشته‌ام به شدت خواهش داشتم و توصیه کرده‌ام که به خاطر خدا و خاطر خانواده‌هایتان در دست رانندگی کنید و همچنین در چهارشنبه پیش رو که چهارشنبه آخر سال است، آتش بازی خطرناک را کنار بگذارید.

ساناز سعیدی، بازیگر:

چرا حقوق زنان در سینما رعایت نمی‌شود؟

در نشست خبری فیلم «پیشمرگ» اشاره بسیار مناسبی داشتید به اینکه زن در آثار جنگی تنها به عنوان متحد قهرمان نشان داده می‌شود و تاثیر آن به خوبی نمود پیدا نمی‌کند...

انتقادی که من در نشست خبری جشنواره فیلم فجر داشتم، در واقع صحبت من با تمام سینما بود نه فقط سینمای ژانر دفاع مقدس، جنگی و غیره. تا چه زمانی می‌خواهیم قهرمان‌های مرد را در فیلم پرورش و بزرگ کنیم. چرا در سینما هم مانند چیزهای دیگر با رویکرد زنانه و مردانه محور پیش می‌رویم؟ مگر سینما هم محرم یا نامحرم دارد. چرا در سینما زنان کمتر نقش قهرمان را دارند؟ خصوصاً قهرمان‌های زن که در طول جنگ در خشیده‌اند، متأسفانه با اینکه این زنان هم از نظر نجابت و هم از نظر شجاعت می‌توانند معرف شخصیت کاملی از یک زن باشند که دیگر به ممیزی و سانسور هم بر نمی‌خورند، باز هم می‌بینیم که عمده شخصیت‌های قهرمان فیلم‌های جنگی مرد هستند! این سوال من است که چرا حقوق زنان در سینما رعایت نمی‌شود؟ به نظر من این نمایش سطحی از حضور زنان در فیلم‌های جنگی عادلانه نیست، ما زنان زیادی داریم که در طول جنگ افتخار آفرین بودند و اتفاقاً سبک زندگی آنها به گونه‌ای بود که به هیچ ممیزی بر نمی‌خورد اما باز شاهدیم که سینما به این زن‌ها توجهی ندارد. یعنی حتی همین سینما که داعیه خانواده محوری بودن دارد و به دنبال فیلم‌هایی است که بدآموزی نداشته باشد، به نقش محوری زنان در جنگ توجه کافی را ندارد.

البته در فیلم‌های مانند «شیار ۱۴۳» و «یا فیلم» (ویلاپی‌ها) به نقش زنان در جنگ توجه ویژه‌ای شده...

بله این دو فیلم به همراه فیلم سینمایی «دسته دختران» اثر منیره قیدی، از معدود آثاری هستند که زنان را در جنگ موثر نشان داد. بحث دیگر اینجاست که در خود فیلم‌های جنگی، همسران شهید کاملاً یک نقشی سطحی را ایفا می‌کنند که فقط نشان دهند که شهید مورد نظر همسر و خانواده داشته است. حرف من این است که یا آن زن را نشان ندهید یا اگر شخصیتی را به عنوان همسر شهید یا قهرمان در فیلم خود جا داده‌اید، به ابعاد مختلف او نیز بپردازید. حضور موثر او را در سفر قهرمان منعکس کنید. چیزی که خود واقعیت است. حتم دارم که اگر زنان، در آن روزهای سخت یا به پای مردان باز زندگی را به دوش نمی‌کشیدند هیچ مردی نمی‌توانست به صحنه‌های نبرد برود و قهرمان شود. این حرف من نه یک سلیقه است و نه در خواست مخاطب، بلکه واقعیتی است که من آن را در مزار شهدا دیده‌ام. جنگ برای مردان تمام شده ولی هنوز در مزار شهدا برای مادران شهید و همسران شهید ادامه دارد. زنی که همسرش شهید می‌شود آیا یک قهرمان نیست؟ یا فرزندی که در ۸ سالگی خبر شهادت پدرش به او می‌رسد آیا قهرمان نیست؟ تا چه وقت می‌خواهیم به دنبال قهرمان در میدان جنگ بگردیم آیا این‌ها قهرمان نیستند؟ من موافقم که قهرمان‌های ملی را در صحنه‌های نبرد نشان بدهیم اما باید در کنارش این حرکت پیوسته و موثر از حضور زنان را نیز دید. و نباید یک زن شهید در فیلم طوری تصویر شود که بود و نبودش در اتفاقات فیلم هیچ تاثیری ندارد.

شما گفتید که با همسر شهید سعید قهرانی فرحناز رسولی، گفت‌وگو و مراداتی داشته‌اید، فکر می‌کنید ابعادی در این شخصیت بود که در فیلم منعکس نشد؟

بله، ایشان خاطرات عمیقی از طول زندگی با شهید داشتند، که هیچ کدام در فیلم منعکس نشد. یکی از آنها شبی بود که یکی از ادوات جنگی به خانه آنها تیر تابی می‌شود و او مجبور بود به تنهایی با سه بچه در خانه، با دشمنی که نمی‌داند کیست و از کجاست مبارزه کند. زنی که یک تنه در مقابل همه مشکلات همسر و ماموریت‌های بی در پی او، فرزندان و ربه دندان می‌کشد و بزرگ می‌کند. این زن یک قهرمان است و به نظر من این نسل باید قدرت زنانه را در یابد. به همین دلیل اصرار دارم که این سینما باید به سمت معرفی قهرمانان زن برود. زنی که در مقابل همه سختی‌ها و مصائب، صحنه جنگ برایشان میدانی کوچک است. اگر سینما به دنبال این رویکرد برود و آن را بارور کند، زنان جامعه ما بیدار خواهند شد و قدرت پیدا خواهند کرد و با شهامت و شجاعت بیشتری نسل را پرورش می‌دهند. تنها راه نجات جامعه پرورش تفکری است که در آن زنان شجاع و با شهامت هستند.



جاودانه شد

صاحب سبکی است که در ژانر فیلم قهرمان محور موفق عمل کرده است. غفاری کارگردان هوشمندی است که در انتخاب متن و موضوع، نگرش‌های جدیدی دارد. یکی دیگر از محسنات این فیلمساز قطعا انتخاب بازیگران بود و تیم بسیار خوب پشت دوربین که همه و همه شاخص و شریف بودند.

اجازه دهید من از تجربه و دانش میان رشته‌ای شما که هم در سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون دارید استفاده کنم با طرح این سوال که عمیق‌ترین چالشی که امروز رسانه‌های فرهنگی و هنری با آن مواجه هستند، چیست؟

به نظر من نقطه کور و گمشده در رسانه‌ها سرگرمی‌سازی است. با این علم که رسانه حرفه‌ای علاوه بر سرگرم کردن مخاطب، باید ایده متفاوت خود را در یک بسته بندی شکل ارائه دهد. رسانه‌ها معمولاً در یکی از این دو سویه می‌غلطند و نمی‌توانند به صورت همزمان و هم‌تراز این محتوا را ارائه دهند. یکی از وجوه ملزوم در این باره سبک متنوع ژانر هاست. سینما، تئاتر و... باید برای همه سلیقه‌ها، ژانر و سبک مورد احتیاج را ارائه دهد. سینما فقط کمدی، جنگی و یا پلیسی یا تاریخی نیست. مخاطب سینما طبع متفاوتی دارد و بسته به هر شرایط و حال و هوایی به دنبال اثری است که او را اقناع کند. به نظر من مشکل عمده اینجاست که در بسیاری از اوقات همه سلیقه‌ها اقناع نمی‌شوند و این نقطه ضعف فعلی ماست.

از اینکه متوجه شدید فیلم منتخب تماشاگران بوده چه حسی داشتید؟

بسیار خوشحال شدم و قطعاً این جایزه محبوب‌ترین جایزه در جشنواره است که «پیشمرگ» شایسته آن شد. جایزه گرفتن از دست مردم بهترین اتفاق است و همه این‌ها به این دلیل است که «پیشمرگ» علاوه بر اینکه اثری قهرمان محور است اثری سر حال و سرپاست. البته من به داوران جشنواره فجر خنده نمی‌گیرم چرا که خودم بارها و بارها در ادوار و جشنواره‌های مختلف داور بودم و کاملاً برایم قابل درک است که یک داور با چه چالش‌هایی روبروست و چقدر متأثر از شرایطی است که در زمان داوری دخیل هستند. از طرفی بحث تعدد تکرار آرا هم وجود دارد. گاهی هم حجم آثار و تکرار آرا و تنوع نظرها به شدت است که تصمیم‌گیری نهایی را به شدت سخت می‌کند. بنابراین من به عنوان بازیگری که در طول همه این سالها در کارهای مختلف سینمایی یا

ساخت این فیلم‌ها این چهره‌ها معرفی شوند و خوشبختانه در تاریخ این سرزمین از این چهره‌ها فراوان هستند. مانند عبدالرسول زرین دست که رکورددار شلیک‌های موفق در جنگ‌های تاریخ معاصر بود و با فیلم «تک تیرانداز» به مخاطب معرفی شد و همینطور شهید قهرانی که پیش از این فیلم اسمش به ندرت شنیده می‌شد. سینما بهترین قاب برای معرفی قهرمانان در هر ساحتی است و برای مخاطب با هر نوع نگاه و دیدگاه سیاسی این آدم‌ها جاودانه و قهرمان‌اند.

بهرام ابراهیمی، بازیگر:

مخاطب سینما طبع متفاوتی دارد

نقشی استراتژیک و چند وجهی را در فیلم «پیشمرگ» به نمایش گذاشتید، نقشی که به ظاهر متحد اما مانعی جدی در سفر قهرمان بود؟

در فیلم «پیشمرگ» نقش یک مدیر سیاسی را داشتم که باید از همه جهات آرامش و امنیت کل منطقه و اوضاع را کنترل می‌کرد، به همین دلیل بر سر کار خود محکم و قرص ایستادم. نه به دلیل اینکه در مخالفت با قهرمان داستان باشد بلکه به این دلیل که از دیدگاه خودش اقدامی کاملاً درست را انجام دهد که امنیت جامعه را تضمین کند.

کارا کتری که ایفا می‌کنید این شائبه را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که این میزان از محتاط عمل کردن در بزنگاه‌ها، شما را یک چهره ضد ملی در مقابل قهرمان ملی نشان می‌دهد...

خیر، این شخصیت کاملاً یک شخصیت ملی است که بر اساس شغل، تجارب و حساسیت‌هایی که در پیش دارد، در حال انجام درست‌ترین کار در سمت خودش است و ممکن است برای حفظ امنیت گاهی لازم باشد همه این محدودیت‌ها اعمال شود که در برخی موارد هم نتیجه عکس می‌دهد، یعنی ممکن است همان دانش احتیاط‌گرایانه او منجی عبور از یک بحران مهیب باشد. البته بخشی از این تمهیدات نیز به دلیل این است که سفر قهرمانی شخصیت در روایت دراماتیک شود. من علی غفاری را از سالها پیش می‌شناسم، قبلاً تجربه یک بازی کوتاه در یکی از فیلمهایش را داشته‌ام. او خوب می‌داند که در طراح روایی چگونه شخصیت‌ها را پیچید که قهرمان تک ساحتی نباشد و موانع هر کدام به اندازه کافی در داستان به پیشبرد اثر کمک کنند. او از کارگردان‌های